

اشاره:

صلح در لغت به معنی سازش، آشتی و توافق است و در قرآن و سنت ما نیز عقد صلح به معنی دفع مرافعه و پایان بخشیدن به دعوی به کار می رود، در قرآن کریم از صلح در ۶ آیه از سوره های انفال، نساء، حجرات نام برده شده است زیرا اسلام دین رأفت و عطفت است و قوانین شرعی برای حفظ ارزش های انسانی و ایجاد فرصت های مناسب برای اصلاح و تزکیه نفس و خودسازی وضع گردیده است. به همین جهت در آیات و روایات متعددی بر ایجاد صلح و سازش بین مردم تأکید گردیده و پیامبر اسلام (ص) صلح و سازش را برترین صدقه دانسته و می فرمایند اگر کسی برای صلح و سازش بین دو نفر گام بدارد فرشتگان الهی بر او درود می فرستند و ثواب شب قدر به او داده می شود.

در راستای حل اختلاف مردم از طریق کد خدامنشی و اصلاح ذات البین و گسترش فرهنگ صلح و سازش بین مردم و به دست خود آنان شوراهای حل اختلاف به موجب ماده ۱۸۹ و در قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی اجتماعی، فرهنگی کشور تشکیل که در بروشورهای جداگانه ای به حدود صلاحیت آنها پرداخته شده است. اکنون تلاش می گردد که عقد صلح و ارکان و شرایط آن به زبان ساده بیان گردد.

عقد صلح

صلح در قانون مدنی ما که متخذ از فقه امامیه است، معنی وسیع تری دارد به طوری که عقد صلح می تواند به طور فرعی جایگزین عقود دیگری مانند بیع، اجاره و عاریه قرار گیرد. عقد صلح در فقه امامیه به عنوان سید الاحکام معروف است از نظر نویسنندگان قانون مدنی لزومی ندارد حتماً اختلافی موجود باشد تا عقد صلح محقق گردد بلکه این عقد می تواند وسیله معامله و یا اجاره و یا ... هم قرار گیرد. به همین جهت قانون مدنی در ماده ۷۵۲ عقد صلح را در معنای وسیع آن پذیرفته است زیرا به موجب ماده فوق عقد صلح ممکن است برای رفع مرافعه و دعوی و یا در مورد معامله و یا سایر عقود بکار رود.

با معنی وسیع و گسترده ای که عقد صلح در قانون مدنی ما دارد فرق

بین آن و سایر عقود کمی دشوار به نظر می‌رسد. چه بسا دو نفر خانه‌ای را مورد خرید و فروش (بیع) قرار می‌دهند ولی برای فرار از شروط بیع، عنوان صلح را برای آن برگزینند و یا منافع ملکی را به اجاره و اگذار می‌کنند. اما نام صلح منافع را برآن می‌گذارند.

اما آنچه مسلم است در عقد صلح تفاهم و تعامل و سازش بین طرفین وجود دارد و همین موجب امتیاز عقد صلح بوده و آن را از سایر عقود ممتاز می‌نماید.

اقسام صلح

عقد صلح دو قسم است:

۱- صلح به منظور رفع تنازع (صلح دعوی): که همان تراضی طرفین برای پایان دادن به دعوی است.

۲- صلح در مقام معامله: که عبارت از صلحی است که به صورت عرفی جایگزین عقود دیگر می‌شود. صلح به طور معمول دارای موضوع است ولی ضرورتی ندارد که ارزش دو عوض با هم برابر باشد، هرگاه عوض نابرابر و ناچیزی در صلح تعیین گردد چنین صلحی (صلح محاباتی) نامیده می‌شود.

شروط عقد صلح

طرفین در عقد صلح مانند سایر عقود باید دارای:

۱- اهلیت (رشد - عقل - بلوغ) باشند و منظور از آن هم اهلیت در معامله و هم اهلیت در تصرف است و چون تاجر و رشکسته و مرتهن (کسی که مال برای او به رهن گذاشته می‌شود) اهلیت در تصرف ندارند بنابراین نمی‌توانند طرف عقد صلح واقع شوند.

۲- صلح بر امر غیر مشروع باطل است مانند آن که کسی به موجب عقد صلح حلالی را حرام و یا حرامی را حلال کند که مانند صلح برای آشامیدن شراب که در دین اسلام چنین صلحی حرام است.

۳- عقد صلح که برای فرار از دین باشد باطل است، زیرا عقد چنین صلحی موجب ورود خسارت بر طلبکاران می‌شود و چون جهت چنین عقدی

باطل است خود عقد صلح نيز باطل می گردد.

۴ - صلح بر امر باطل نيز باطل است به عنوان مثال اگر دو نفر زمین مواطی (زمین مواد زمینی است که مالک ندارد و آباد نیست) را با یکدیگر معامله کنند و در این معامله بین آنان اختلافی حاصل و سپس بخواهند این اختلاف را به صلح خاتمه دهند چنین صلحی باطل است زیرا اساس اختلاف در خصوص معامله زمین مواد بوده که باطل است.

۵ - اموال دولتی را نمی توان مصالحه نمود زیرا در عقد صلح، مورد صلح باید در مالکیت مطلق شخصی که می خواهد مالش را صلح کند باشد.

عقد صلح به جای چه عقودی قرار می گيرد

عقد صلح به صورت فرعی می تواند به جای عقود زیر قرار گیرد.

۱ - عقد بيع (انتقال عین به عوض معلوم) ۲ - عقد اجاره (انتقال منفعت به عوض معلوم) ۳ - عقد عاريه (انتقال منفعت بدون عوض) ۴ - هبه (انتقال مالکیت بدون عوض معلوم) ۵ - ابراء (اسقاط دین)

عقد صلح به ضرر شخص ثالث

چنانچه موضوع صلح با نظم و قواعد عمومی در تعارض باشد صحیح نمی باشد مانند بستان عقد صلح به منظور محروم کردن شریک از حق شفعه^۱ چنانچه یکی از شرکاء به منظور محروم نمودن شریک خود برای استفاده از حق شفعه اش با شخص ثالثی قرار داد صلح منعقد امادر واقع منظورش فروش سهم خود باشد و از عقد صلح به منظور پوشش ظاهري استفاده نماید عقد صلح باطل است و در واقع چنین صلحی به ضرر شخص ثالث می باشد.

۱ - اگر دو نفر در مال غیر منقولی با هم شریک باشند برای هر یک از آنان حق شفعه ایجاد می گردد یعنی اگر یکی از شرکاء تصمیم به فروش سهم خود را شتء باشد مکلف است در درجه اول سهم خود را به شریکش بفروشد.

اثر صلح به نفع شخص ثالث

در عقد صلح می‌توان شرطی را به نفع ثالث نمود مثلاً شخص الف با شخص ب درباره موضوعی صلح می‌نمایند مشروط بر آن که یکی از طرفین کاری را به نفع شخص ثالث انجام دهد و همچنین می‌توان شرط نمود که منافع چنین شرطی پس از شخص ثالث به ورثه او نیز منتقل گردد. صلحی که به این طریق منعقد می‌گردد با ورشکسته شدن متعهد فسخ نمی‌شود مگر آن که در عقد صلح چنین شرطی شده باشد و در صورت عدم قید چنین شرطی، متعهد له (کسی که در عقد صلح بنفع او شرط شده است) در ردیف سایر طلبکاران و روشکسته قرار گرفته و سهمی از اموال به او می‌رسد.

صلح در دادگاه

صلحی که در دادگاه و یا شوراهای حل اختلاف انجام شود (که از نظر اجرا مانند حکم دادگاه است) مفاد این صلح نسبت به طرفین و وراث و قائم مقام قانونی آنها نافذ و معتبر است و چنین صلحی مانند احکام دادگستری به اجرا گذاشته می‌شود و اگر صلحی به موجب سند رسمی انجام شود موجب ختم رسیدگی در دادگاه بوده و مقررات راجع به اجرای مفاد اسناد لازم الاجرا در مورد آن جاری خواهد شد.

چنانچه کسی مالی را با عقد صلح تملیک کند و بعد معلوم شود که مال در زمان وقوع صلح از بین رفته بوده چنین صلحی باطل است. هم چنین یا اگر در مورد اختلاف در حضانت کودکی صلح، و بعداً معلوم شود که اساساً طفل در زمان وقوع عقد صلح فوت کرده چنین صلحی باطل است. حقی که در اثر وقوع جرم ایجاد می‌شود را نیز می‌توان صلح نمود. به عنوان مثال اگر تصادفی واقع و ضرری متوجه شخص شود می‌توان مطالبه خسارت ناشی از تصادف را صلح نمود اما باید جرمی وقوع یابد تا صلح واقع گردد و نمی‌توان آثار احتمالی جرمی که هنوز واقع نشده است را صلح نمود.